



۲۰۲۰/۰۱/۰۸



عارف عزیزگذرگاه

استاد کمال الدین بهزاد

از مجله ادب

نشریه دری پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل

شماره ۵ و ۶ سال ۱۳۵۰



بررسی مکتب مینیاتور در عصر تیموریان هرات از نظر ادبیات

نقاشان دربار تیموری

بهزاد در حدود سال ۸۵۴ هجری ۱۴۵۰ میلادی، در شهر هرات پا به عرصه وجود گذاشت. کار نقاشی و تصویرسازی را نزد «پیرسیداحمد تبریزی» فراگرفت. ولیکن برخی از مآخذ برآنست که وی صنعت صورتگری را از خواجه میرک نقاش هروی در هرات فرا گرفته است.

صاحب خوشنویسان گوید: «شاگر خلف سید روح الله میرک افضل المتأخرین فی فن التصوير... نادرالعصر کمال الدین بهزاد سات و تعریف و توصیف مومی الیه برقوم قلم عجائب او، درین موقع ظاهر است»^۱.

گزارش دوره های اول زندگانی این هنرمند معروف که کمال شهرتش به جهان گسترده شده است، مجهول است. اما به قول خواندمیر مورخ کبیر: «جناب استادی به یمن تربیت و حسن التفات و عنایت بسیار بود و پیوسته در ظل عواطف این پادشا (سلطان حسین بایقرا) مرفه حال و فارغ بال روزگار گذرانیده و به وفور نعمت و قابلیت به مراتب عالی صعود نمود»^۲. بهزاد در هرات مدتها بماند تا آنکه ستاره اقبال تیموریان افول کرد و دولت مقتدر آنان به دست

^۱التصویر الاسلام عندالفرس ص ۴۷

^۲خوش نویسان، بخش اول، دکتر مهدی بیانی ص ۲۰۰ چاپ تهرات ۱۳۴۵

^۳ صنایع افغانستان، تألیف پوکاچینووا، ص ۲۱۰ مسکو ۱۹۶۳

محمدخان شیبانی در ۹۱۳ هجری ۱۵۰۷ میلادی سرنگون گردید و او وطنش را ترک نگفت. بعد از آنکه شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶ هجری (۱۵۱۰ میلادی) هرات را متصرف شد، بهزاد، خواجه میرک، قاسم علی و حاجی محمد را که در آنجا می زیستند، با خود به تبریز برد.

کمال الدین بهزاد نقاش معروف، صنعتکار بزرگ، مانند آفتاب درخشان از مشرق آمال و آرزوهای آسمان هنر هرات سرکشید و افتخارات هنری بس عظیمی به وطنش (افغانستان) به یادگار جاویدان گذاشت. هنگامیکه در اروپا «لیوناردوونچی» ها، (رافائل) ها، و (البردور) ها برای افتتاح یک دوره تجدد در عالم هنر، هنرنمایی می کردند، مردی چون بهزاد، در هرات سکه تجدد به نام خود زد و این فن نفیس و ظریف را به اوج کمال رسانید. وی از استادان مسلم هنر میناتور است و هرکجا ذکری از صنایع مستظرفه رود، نام او سرآمد همه هنرمندان خواهد بود.

خواند میر گوید: «بهزاد اشکال شگفت انگیز و نوادر طبیعت خویش را در مقابل ما مجسم می کند. طراحی و هنرمندی او چون قلم مانی آثار همه نقاشان دنیا را از صفحه روزگار سترده و انگشتانش صور و نقوش همه صنعتگران و نقاشان فرزندان آدم را محو کرده است. موئی از قلم او با مهارت و استادی به اشکال بیجان، جان می بخشد».

استاد بهزاد «در اوائل سده دهم هجری» از شهر هرات قد علم کرد و یکدسته گل زیبایی سرخ از شاخه تخیلات بلند و معنویات عالی خود چید و در نمایشگاه صنایع مستظرفه به ارمان گذاشت. وی در اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی از جهان دیده فرو بست و چهره در نقاب خاک کشد.

مانی قلم خجسته اثار	نیکوشیم حمیده اطوار
استاد هنروران عالم	در فن هنروری مسلم
بهزاد یگانه زمانه	مانی به زبان او فسانه
در دقت طبع موشکاف است	وین حرف نه از بهر گزاف است
تکمیل مهارتش درین فن	باور اگرت نیاید از من
بکشای نظر ز روی انصاف	بنگر صور بدیع اوصاف
کار است جمال این صحایف	افزود کمال این ظرایف

مویه قلمت تا ز جهان چهره گشاد	برچهره مانی رقم نسخ نهاد
بس طبعکه صورت نیکو زاد از او	طبع او دلی از همه آنها به زاد ^۵

^۴ همو کتاب.

^۵ آثار هرات، ج ۲ تألیف استاد خلیلی ص ۴۸۵-۴۸۶ چاپ کابل

استاد بهزاد، نقاش نامی دربار هرات به امر سلطان حسین بایقرا سمت ریاست کتابخانه و سرپرستی گروه «خوشنویسان»، «تهدیب کاران»، «نقاشان» و «هنرمندان» یافته و در آن کتابخانه مشغول فراهم آوری نسخه های نفیسه بودند. درینجا به نقل قسمتی از متن فرمان سلطان حسین بایقرا، که راجع به انتصاب بهزاد میباشد، و «خواندمیر» صاحب کتاب حبیب السیر و دبیر و منشی نامدار دربار وی آنرا ثبت کرده است، می پردازیم:^۶

«... بناء علی هذا درین و نادرالعصر قدوه المصورین والمذهبین استاد کمال الدین بهزاد را که از قلم چهره گشایش جان مانی خجل شده و از کلک صورت آرایش لوح ارتنگ منفعل گشته و پیوسته قلم وار سر برخط فرمان و رجب الاذعان نهاد و پرکار مثال پای در مرکز ملازمت استاد خلافت ایشان استوار کرده، مشمول الطاف خسروانه و اعطاف پادشاهانه ساخته، حکم فرمودیم که منصب استیفاء و کلانتری مردم کتابخانه همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبیان و جدول کشان و حل کاران و زرکوبان و لاجورد شویان و سایر جماعتی که به امور مذکور منسوب باشند، در ممالک محروسه مفوض و متعلق بدو باشد».

استاد بهزاد با عشق و علاقه مفرطی که به این هنرداشت قشنگترین صورتها و تابلوهای مینیاتوری و یادگار های طلایی از خود بجا گذاشت. استاد دارای آثار بسیار گرانبهاست ولی اندکی از آن در صفحه روزگار باقی مانده است. و از روی آن میتوان شخصیت هنری او را که در تاریخ نقاشی نقش عمده و ارزنده دارد، مشخص کرد. هر آئینه بهزاد درین فن شهرت فوق العاده یافت، به طوری که معروفیت او بر مصوران و نقاشان پیش از خودش و نیز معاصران و کسانیکه بعد از او آمده اند، پیشی گرفته است. سلاطین مغولی هند^۷، برای جمع آوری آثار استاد بر یکدیگر سبقت کرده اند و این توقعات سلاطین درباره او قدمی بود که مصوران را با تقلید از شاهکار های استاد بیش از پیش تشویق و تحریص کرده و حتی اکثر ایشان آثار خود را (به نام) او (بهزاد) نسبت داده و بدان حد تعیین اثبات قطعی آثار او را مشکل ساخته اند. و باین مناسبت است که مؤرخان اسلام از صحت کامل آثار بهزاد شک و تردید دارند و هرگاه در ذیل تصاویر امضا یا مهری از جناب استادی مشاهده کنند آن عمل را منسوب بدو دانند و الا به غیر او خوانند. از آثار بهزاد که شامل امضا و خصایل سبک او باشد فقط تعداد کمی در دست است و عمل دیگران را بعداً به اضافه یک اسم از بهزاد بنام وی خوانده اند.

مسأله امضا و مهر در کشور های غرب حایز اهمیت شایانست و اما در کشورهای شرقی چندان به آن اهمیتی قائل نیستند و نیز کشورهای غرب به شخصیت و اهلیت ممتازان و هنر و هنرمندان چیزه دست خودشان کمال احترام روا می دارند و به هنرمند و هنرش افتخار می کنند. بنابراین غالب مؤرخان تاریخ و هنر و علاقمندان این صنعت به بحث در باره آنچه انتسابش به بهزاد صحیح است از قبیل، صورتهای فراوانیکه دارای امضاء اوست توجه کرده اند. قدرت هنرمندی استاد بهزاد به (پایه ای) بود که عده ای از هنرشناسان را برآن داشته است که برای (احیای) مقام ارزنده او کمال توجهی بکار برند، از آنجمله دکتر «کوهنل» آلمانی صاحب کتاب مینیاتور های ملل اسلامی در شرق و «موسیو

^۶ بیست مقاله: تألیف علامه قزوینی جلد ۱ و ۲ به اهتمام استاد پور داود. ص ۲۷۳ چاپ تهران ۱۳۳۲

^۷ تصویر... ص ۴۸

هورت» (معلم ادبیات فارسی دری در اکادمی السنه شرقی پاریس) به نام بهزاد و آثار او مجموعه ای پدید آوردند که خیلی ها درخور اهمیت است. اشخاص دیگری چون «موسیوفوشه» (کتابدار کتابخانه ملی) پاریس و هنرشناس و مستشرق معروف «والترشولن» به ترتیب در خصوص نقاشی نسخه های نفیس خطی شرقی و بهزاد و به نام آثار منتخب بهزاد تحقیقات و بررسی های استادانه انجام داده اند. پروفیسور مارتین گوید: « جای بسیار تأسف است که بهزاد اسلوب و روشی را که در نقاشی های قصر حسین بایقرا بکار برده بود، بار دیگر تعقیب نکرد و الا هیچ یک از استادان نقاشی اروپا مانند «رفائل» (گوزولی) به این پایه مایه نداشتند. و ابتکاراتی که استاد بهزاد در آن قصر بکار برده بود، ایشان چنین کاری را در قصر واتیکان روم نتوانسته بودند انجام دهند. آثار قلمی و مینیاتورهای بهزاد زینت بخش غالب (موزیم) های دنیا و کتابخانه های شرق و غرب است و اینها همه محصول ارزنده ای میباشند که درحوزه زندگی استاد هرات بوجود آمده است.^۸

دانشمند سویدی مارتین اضافه می کند: بهزاد به مثابه صورتگر و تاحدی استاد بزرگ پیش رفته است. و همدیف و همسطح «میم لینک»، «دوریرو» و «گول بینی» میباشد. او بهترین آثار بهزاد را در دست داشته و اظهار نظر می کند که بهزاد در کارهای هنری و نقاشی دست کمی از نقاشان اروپا مانند «فوکه» فرانسوی «مس ملینگ» هالندی و «البردور» ندارد. سپس این دانشمندان علاوه میکنند که آن اندازه احترامی را که «رفائل» از طرف حکمرانان روم و ایتالیا دید، بهزاد آنرا در دربار طلایی تیموری دیده است. لهذا میتوان نسخه های خطی نفیس و مصور او را در پهلوی بزرگترین نقاشان دوره (رونیسانس) «فوکه» در «سانتلی» و تصاویر «کریمان» در «ونیز» و یا پهلوی نسخه های خطی «رونه دانتر» در کتابخانه امپراطوری روم گذاشت. تصاویر بهزاد در حد اعلاي ظرافت و جمال بوده و به حسن ابداع قوت تصویر و لطف قریحه پیش از دیگران چون خورشید از ستارگان فروز انتر است. بهزاد در نقاشی به رنگ های سرد مانند: سرمه ئی، سبز تیره، فیروزه ئی، سبز روشن، زرد و قهوه ئی بیشتر توجه کرده است. و کذا طلا و نقره حد اکثر استفاده او را در نقاشی نشان می دهد.

ادامه دارد

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند.

استاد کمال الدین بهزاد

Aziz_aref_ostad_kamaluddin_behzad_۱.pdf

^۸ تاریخ تمدن ایران، به همکاری جمعی از دانشمندان ایرانشناسی اروپا با مقدمه به قلم پروفیسور «هانری ماسه» و «دته گروسه»، ترجمه جواد یحیی ص ۳۳۴-۳۳۵